info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام

شماره ۲۶۱۴
دوشنبه ۹ / مهر / ۱۴۰۳
۲۶ / ربیع الاول / ۱۴۴۶
30 / September / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان قدس البرز
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۸۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۳ - ۰۲۶- فکس: ۳۲۵۲۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

فرازی از دعا

امروز با حافظ

به سرِّ جام جم آنگه نظر توانی کرد
که خاک میکده کحلِ بَصَر توانی کرد
مباش بی می و مُطرب که زیر طاق سپهر
بدین ترانه غم از دل به در توانی کرد

خوانده

چو دانی آنچه بتو میرسد نوشته شده است
ز خار خار تاسف حذر توانی کرد
فیض کاشانی

اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب
۰۴:۳۶ | ۰۶:۰۱ | ۱۱:۵۶ | ۱۷:۴۹ | ۱۸:۰۷

اذان شرعی

اوقات شرعی

برگه

آنچه بدان می‌اندیشیم، برای ما رخ خواهد داد؛ پس اگر خواهان تغییر هستیم باید ذهن‌مان را بازنگاه داریم.
وین دایر

نکته

تاکتیک تبدیل لبنان به غزه دوم اجرا می‌شود؟

گسترش جنایت‌های رژیم صهیونیستی از غزه به لبنان، نگرانی‌ها درباره نتیجه تداوم کارزار جنایت‌کاری این رژیم را تشدید کرده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از میزان، جنگ جنایت‌کارانه و ضدبشری رژیم صهیونیستی علیه غزه در حالی تا چند روز آینده یک‌ساله می‌شود که این رژیم در سیاه‌قعل جامعه بین‌المللی، حمایت تمام‌عیار شرکا و متحدانش و بی‌عملی سازوکارهای مسئول و البته بی‌مجازات ماندن جنایت‌های مستمرش، کارزار جنایت‌کارانه را علیه لبنان آغاز کرده است. این کارزار با انجام شیعنترین حمله‌هایی که از سال ۲۰۰۶ تاکنون بی‌سابقه بوده، پیش می‌رود و جنایت پشت جنایت رقم می‌زند و قربانی می‌گیرد. رژیم صهیونیستی بر اساس استراتژی پیشتر استفاده شده در جنگ علیه غزه، پیشی طرح ادعاهای دستی و مدرک علیه مقاومت در حلی حمله به مناطق مسکونی در حومه بیروت، پایتخت لبنان را آغاز کرده است که این جنگ تاکنون بیش از ۷۰۰ شهید، ۲ هزار مجروح و ۹۰ هزار آواره و البته حجم زیادی خسارت مادی برجای گذاشته است.

کشنده‌ترین دوره در یک نسل

دور جدید حمله‌های رژیم صهیونیستی به مناطق اطراف بیروت را می‌توان کشنده‌ترین حمله‌ها در یک نسل در این کشور توصیف کرد؛ سازمان ملل طی یک هفته گذشته بارها تشدید خشونت‌ها در لبنان را محکوم کرده و خواستار توقف حمله‌های رژیم صهیونیستی شد. هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل در لبنان درباره حمله‌های رژیم صهیونیستی به این کشور، گفت ما شاهد در گیرترین دوره در لبنان در یک نسل هستیم و بسیاری از ارزیابی نگرانی می‌کنند که این تازه آغاز است. این دوره را رژیم صهیونیستی با انفجار پیجرها و دستگاه‌های ارتباطی در اختیار مردم لبنان، آغاز کرد. انفجار پیجرها و دستگاه‌های ارتباطی شکلی موذیانه و غیرمعمول از جنگ، بود و احتمالاً جنایت جنگی محسوب می‌شود. انفجار همزمان هزاران پیجر و رادیوهای دستی در لبنان توسط رژیم صهیونیستی دست‌کم ۳۷ نفر را قربانی و بیش از ۴ هزار نفر را مجروح کرد.

مردم لبنان در معرض خطر یک کارزار مرگ‌بار

حمله رژیم صهیونیستی به لبنان دوشنبه گذشته آغاز شد. این یکی از شیعنترین بمباران‌های هوایی تاریخ مدرن است که به دست رژیم صهیونیستی انجام شد و بلافاصله پس از آن، روز قتل عام شهروندان لبنانی را از زمان پایان جنگ داخلی ۱۵ ساله این کشور در سال ۱۹۹۰ رقم زد. جمعیت غیرنظامی لبنان که پیش از این نیز از جنایت‌ها و حمله‌های رژیم صهیونیستی آسیب دیده‌اند، در معرض خطر جدی قربانی شدن در کارزار از پیش برنامه‌ریزی شده سیستمی رژیم صهیونیستی قرار دارند.

در حال حاضر بیش از ۹۰ هزار نفر از شهروندان لبنانی برای در امان ماندن از حمله‌های هوایی رژیم صهیونیستی آواره شده‌اند و به بیش از ۱۱۰ هزار نفری پیوسته‌اند که از اکتبر سال گذشته (مهر ۱۴۰۲) درپی آغاز جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه آواره شده‌اند. از ۲۳ سپتامبر (۲ مهر) یعنی زمان آغاز حمله‌های رژیم صهیونیستی به لبنان تاکنون بیش از ۷۰۰ نفر از جمله بیش از ۵۰ کودک قربانی و بیش از هزار و ۴۰۰ نیز مجروح شده‌اند. انتظار می‌رود اوضاع در لبنان زیر فشار جنایت‌های رژیم صهیونیستی بدتر هم شود.

لزوم مستندسازی جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه لبنان

مستندسازی جنایت‌های جنگی رژیم صهیونیستی علیه لبنان در زمان مناسب یک امر ضروری است. این اقدام می‌تواند از گسترش جنایت‌های این رژیم به دیگر مناطق لبنان و البته فراتر از مرزهای این کشور جلوگیری کند. در عین حال، باید اقدام‌های جدی برای توقف سیل ورود تسلیحات جنگی به اراضی اشغالی انجام شود. این در حالی است که حرکت در روند معکوس این اقدام، بویژه از سوی آمریکا و دیگر کشورهای غربی حامی رژیم صهیونیستی سبب وخامت اوضاع و گسترش شدن رژیم صهیونیستی برای ارتکاب جنایت شده است.

لبنان با غزه دوم؟

تداوم کارزار جنایت رژیم صهیونیستی علیه لبنان و حرکت چالش‌برانگیز دسته‌ای از کشور در مسیر وخامت و تشدید بیشتر، نگرانی‌های جدی را رقم زده است؛ ضمن اینکه این پرسش را مطرح کرده است که آیا لبنان به غزه دوم تبدیل می‌شود؟ از زمان آغاز جنگ، رژیم صهیونیستی علیه غزه تاکنون بیش از ۴۲ هزار فلسطینی به شهادت رسیده‌اند؛ ۵۸ درصد جمعیت غزه تحت دستورهای تخلیه این رژیم قرار دارند؛ بیش از ۱۱ هزار نفر زیر آوار مانده و حدود ۱۰۰ هزار نفر مجروح شده‌اند. آوارگی‌های مکرر منجر به جدایی خانواده‌ها و قطع دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و کمک‌های غذایی شده است؛ زیرساخت‌های مختلف ویران شده‌اند... قناتیها و تلاش‌های جسته و گریخته گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری برای پایان دادن به جنایت رژیم صهیونیستی علیه غزه ناکام مانده‌اند و گویا این امر، افزایش روزافزون شمار جنایت‌های ناقض قانون‌هایی است که رژیم صهیونیستی انجام می‌دهد. رژیم صهیونیستی در میانه جنایت علیه غزه سه دور از اقدام‌های پیشگیرانه به دستور دیوان بین‌المللی دادگستری ICJ را نادیده گرفت و حتی عملیات‌های خشونت‌آمیز اخیر در ژنین و شهرک‌نشینان صهیونیست را در کوله‌باری نیز تشدید کرده است. اگر سیاست‌مداران جهان از جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه چیزی آموخته باشند، باید بشتابند که این رژیم در ارتکاب جنایت جنون‌آمیزی نمی‌ماند و اقناعی‌هایش را به دلیل طمینان از حمایت‌های همه‌جانبه شرکایش جامه عمل می‌پوشاند. استفاده رژیم صهیونیستی از کوسکی به عنوان سلاح جنگی علیه غزه، بمباران هوایی در مقیاس وسیع و بویژه بمباران مکان‌های شناخته‌شده نمادی، ساختمان‌های مسکونی و بیمارستان‌ها، شکنجه کارکنان مراقبت‌های بهداشتی همه و همه موید این در هستند.

یک نگرانی به جا و جدی

رژیم صهیونیستی طی یک روز تاکتیک‌های وحشیانه جنگ خود علیه غزه را به لبنان گسترش داد. اکنون لبنان نیز بخشی از تاکتیک جنایت علیه غیرنظامیانی است که سران رژیم صهیونیستی طراحی کرده و اجرا می‌کنند. جنگ فاجعه‌بار در جریان رژیم صهیونیستی علیه لبنان از روی بنیانمرصوص نشانه‌دار، نخست‌وزیر این رژیم طراحی شده است. زیرا او می‌داند که تنها دلیل باقی ماندنش در قدرت جنگ بی‌پایانی است که علیه غزه انجام می‌دهد. نتانیاهو به خوبی می‌داند که در صورت پایان جنگ، مجبور به کناره‌گیری از قدرت شده و با محاکمه طولانی‌مدت به اتهام فساد ناشی از دوره نخست‌وزیری قبلی مواجه خواهد شد. راهبرد او برای طولانی کردن جنگ با سلیقه‌تراشی در توافق آتش‌بس و انجام حمله‌های تشدیدکننده علیه لبنان تاکنون برایش کارساز بوده است؛ پس جای تعجب نیست که به اجرای مستمر آن ادامه دهد. جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا مقصر اصلی این فاجعه یعنی تبدیل لبنان به غزه دوم خواهد بود؛ دولت بایدن از اکتبر گذشته حمایت مطلق خود را از رژیم صهیونیستی نه تنها فریاد زده بلکه اجرایی کرده است. آمریکا علاوه بر ارائه تسلیحات و کمک‌های نظامی، مقیم مهمی در مسیر تصویب قطعنامه‌هایی بوده که می‌توانستند پایان جنگ غزه را رقم بزنند.

گزارش روز

به یاد امیر سرلشکر ولی‌الله فلاحی

شهیدِ دائم‌السفر؛ فرزند البرز

مهدی کیان

فلاحی آدم محترمی بود. یک سفر با هم می‌رفتیم چهلم، ماه رمضان بود. خب توی هواپیما همه مسافرند دیگر! غذا آوردند و همه خوردیم؛ اما فلاحی نخورد. گفتیم آقای فلاحی شما چرا غذا نخوردید؟ گفت: من روزه هستم، گفتیم: توی سفر؟ گفت: من دائم‌السفرم، شغلم است برای همین روزه‌ام راحتی خورم. بعد به من گفت که من از شش سالگی تا حالا روزه‌ام ترک نشده (خاطره‌ی رهبر انقلاب از شهید فلاحی، مستند در لباس سربازی)

ولی‌الله فلاحی در سال ۱۳۱۰ در طالقان متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در طالقان و جهرستان تظلم تهران گذراند و پس از اخذ دیپلم در مهرماه سال ۱۳۳۰ وارد دانشکده قسری شد و با درجه ستوان دومی و رستگی زرهی از آن دانشکده فارغ‌التحصیل شده و سپس در لشکر ۹۲ زرهی خدمت خود را شروع کرد. تیمسار فلاحی به دلیل مخالفت‌هایش با حکومت پهلوی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۲ چهار بار به زندان افتاد. اما به دلیل تفکر بالا و دلش بالایی که داشت از افسران زبده قابل احترام ارتش شاهنشاهی بود که همواره مورد احترام فرماندهان ارشد ارتش بود. اسیر فلاحی با درجه سرهنگ دومی به همراه گروهی از افسران ایرانی به عنوان ناظر صلح سازمان ملل در آتش‌بس ویتنام، از سال ۱۳۵۱ تا اواسط ۱۳۵۳ را در این کشور گذراند. او در ۱۲ مهرماه ۱۳۵۷ پس از گرفتن درجه سرتیپی به شیراز منتقل شد و به عنوان معاون فرماندهی مرکز پیاده شیراز به کار خود ادامه داد.

«شهید ولی‌الله فلاحی تنها افسر عالیرتبه ارتش بود که در بدنه ارتش پس از انقلاب باقی ماند و با پذیرفتن پست‌های حساس منشأ خدمات ارزشمند و شایان تقدیر شد و پس از پیروزی انقلاب ابتدا به سمت فرماندهی تیپ‌وی زمینی ارتش منصوب شد و همچون فرماندهان میدانی در صحنه نابرابری‌های مناطق مختلف کشور حضوری مؤثر داشت.

لیشان به لطف رشادت‌های کم‌نظیر و تدبیر و توانمندی نشان نصر درجه ۱ (نشان فداکاری) مصوب گشت.

با طراحی و اجرای پیروزمندانه عملیات ثامن‌الائمه و رفع حصر آبادان در مهر ۱۳۶۰ آرزوی تیمسار فلاحی برآورده شد و وضعیت راهبردی جنگ دگرگون و زمینه برای پیروزی‌های بزرگ آینده فراهم آمد. اگر چه چند ساعت پس از پایان این عملیات و در راه بازگشت به مرکز در سقوط هواپیما جان خود را از دست داد، ولی چنان که خود او در وصیتنامه‌اش آورده بود «کارنامه» او برای همیشه در معرض قضاوت نسل‌های متوالی «ملت و به‌ویژه ارتش ایران» قرار خواهد داشت.

روز هفتم مهرماه تیمسار فلاحی در قرارگاه عملیاتی لشکر ۷۷ در ماهشهر، لشکر ۷۷ خراسان را لشکر ۷۷ پیروز ثامن‌الائمه نامید. در این مراسم وزیر دفاع سرهنگ تامجو، سرهنگ فکوری و سرتیپ ظهیرنژاد نیز حضور داشتند. پس از این مراسم، غیر از سرتیپ ظهیرنژاد، بقیه فرماندهان عازم اهواز شدند. امیر سرلشکر ولی‌الله فلاحی، رئیس وقت ستاد مشترک ارتش و چندی دیگر از فرماندهان ارتش و سپاه که برای نظارت بر اجرای عملیات ثامن‌الائمه در جبهه حضور داشتند، برای ارائه گزارش به امام خمینی(ره) با یک فروند هواپیمای سی-۱۳۰ نیروی هوایی، عازم تهران بودند اما بر اثر سقوط این هواپیما در حدود ساعت ۸ بعدازظهر روز هفتم مهرماه در پیهان‌های کهریزک، این فرماندهان، شهید شدند.

چندی پس از درگذشت او خیابان زعفرانیه تهران به نام سرلشکر فلاحی نامگذاری شد. یکی از خیابان‌های شیراز و در بزد نیز خیابان اصلی منطقه صفائیه به یاد او نامگذاری شد ولی افسوس و صد چند افسوس که در البرز نامی از این آزاد مرد بر آوازه نیست.

براستی چگونه است که در البرز نامی از فرزندان پرآوازه این تیست و آن را با چراغ در تاریکی باید رویت کرد.

اشاره

تبخیر طبقه متوسط

بررسی آخرین گزارش منتشرشده از هزینه خانوارها که مربوط به سال ۱۴۰۲ است نشان می‌دهد که تفاوت زیادی بین هزینه‌های خانوارهای دهک دهم و سایر دهک‌های درآمدی وجود دارد. برای مثال مجموع هزینه‌های خانوار شهری دهک دهم در سال ۱۴۰۲ حدود ۸۹میلیون تومان بوده درحالی که این عدد برای دهک نهم درآمدی حدود ۳۱۶میلیون تومان بوده است. بنابراین می‌توان گفت هزینه دهک نهم درآمدی حدود ۳درصد از هزینه‌کرد خانوار دهک دهم است، با اینکه میانگین هزینه‌های دهک دهم دوبرابر دهک نهم است.

این اختلاف بزرگ نشان‌دهنده تفاوت چشمگیر در سطح زندگی و توان اقتصادی خانوارهاست. این نسبت در سال ۱۴۰۱ معادل ۹درصد بوده است. می‌توان گفت دهک دهم به‌رغم آنکه می‌توانند بیشتر صرف می‌کنند، که عمدتا مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی مانند مسکن، آموزش، بهداشت و تفریحات می‌شود. در سال گذشته متوسط هزینه‌های مربوط به نیازهای خوراکی و دخانیات یک خانوار شهری در دهک دهم حدود ۹۵میلیون تومان بوده و ۴۴۴میلیون تومان دیگر این هزینه مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بود. به زبان ساده تنها ۱۶ درصد از هزینه‌کرد خانوارهای پردرآمد ایرانی مربوط به نیازهای خوراکی است. در دهک نهم درآمدی سهم هزینه‌های خوراکی از کل هزینه‌ها افزایش یافته و به حدود ۲۲درصد می‌رسد. این سهم در دهک‌های درآمدی پایین‌تر نیز افزایش می‌یابد. برای مثال در سال ۱۴۰۲ کل هزینه متوسط یک خانوار شهری در دهک اول درآمدی معادل ۴۷میلیون تومان بوده است که حدود ۴۳درصد از این هزینه‌کرد مربوط به نیازهای خوراکی خانوارهاست.

آسیب‌پذیری ۹ دهک درآمدی

در سال‌های گذشته اقتصاد ایران با شوک‌های مختلفی مانند تحریم‌ها و نوسانات نرخ ارز مواجه بوده است. در شرایط شوک‌های اقتصادی، مانند افزایش تورم یا بحران‌های مالی، دهک‌های پایین‌تر جامعه بیشتر آسیب می‌بینند. بررسی آمارهای مربوط به هزینه‌های سالانه یک خانوار شهری در دهک‌های مختلف نشان می‌دهد دهک‌های اول و دوم که مجموع هزینه‌های سالانه بسیار کمتری نسبت به دهک دوم دارند، بخش عمده‌ای از درآمدشان صرف هزینه‌های خوراکی می‌شود. این به معنای آن است که با افزایش قیمت مواد غذایی یا کالاهای اساسی، دهک‌های پایین‌تر جامعه به‌سرعت تحت‌تاثیر قرار می‌گیرند و توانایی کمتری برای مقابله با چنین شرایطی دارند. در مقابل، دهک دهم که سهم بیشتری از هزینه‌هایش به موارد غیرضروری، مانند خدمات تفریحی، بهداشتی، و آموزشی اختصاص دارد، کمتر تحت‌تاثیر تغییرات قیمت کالاهای اساسی قرار می‌گیرد و می‌تواند هزینه‌های خود را در سایر بخش‌ها مدیریت کند.

فاصله اقتصادی بین دهک‌های دهم و نهم نشان‌دهنده افزایش نابرابری اقتصادی در ایران است. این شکاف نه تنها به دلیل تفاوت در درآمدها، بلکه ناشی از اختلاف در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی، خدمات آموزشی، بهداشتی، و مسکن است. دهک دهم با توان مالی بالا، دسترسی بیشتری به خدمات باکیفیت‌تر دارد و می‌تواند از افزایش قیمت‌ها و بحران‌های اقتصادی کمتر آسیب ببیند درحالی‌که دهک‌های پایین‌تر جامعه به دلیل وابستگی به درآمدهای کم، بیشتر در معرض خطر قرار دارند. افزایش این نابرابری‌ها به‌مرور زمان موجب تشدید بحران‌های اجتماعی و اقتصادی خواهد شد.

در شرایط فعلی می‌توان گفت طبقه متوسط در ایران، به‌شدت تضعیف شده است و ۹ دهک درآمدی در برابر نوسانات و شوک‌های اقتصادی آسیب‌پذیر هستند در نگاه اول این تصور ایجاد می‌شود که دهک دهم می‌تواند مستقل از نوسانات اقتصادی، از استاندارد زندگی خود محافظت کند. با این حال بررسی‌های جزئی‌تر نیز نشان‌دهنده آن است که فاصله درآمدی خانوارها درون دهک دهم نیز بالاست و نوسانات اقتصادی جدید می‌تواند افرادی را که در رده‌های پایین دهک دهم هستند به دهک‌های پایین‌تر برانند. در واقع در حال حاضر طبقه متوسط از بین رفته و ۹ دهک درآمدی در برابر نوسانات اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر هستند. بنابراین هر گونه اصلاحات اقتصادی، باید وضعیت درآمدی ۹ دهک را در نظر بگیرد.

تصویر هزینه دهک‌های درآمدی

نگاهی به جزئیات هزینه دهک‌هانشان می‌دهد که فاصله هزینه‌ای در میان خانوارهای دهک دهم نیز بحسوب قابل توجهی بالا است. آسیب‌پذیری ۹ دهک از ۱۰ دهک جامعه به گونه‌ای است که خانوارها به راحتی می‌توانند به خط فقر نزدیک‌تر شوند.

گزارش هزینه خانوارهای ایرانی در سال ۱۴۰۲ نشان‌دهنده شکاف چشمگیر اقتصادی میان دهک‌های مختلف درآمدی است. در سال گذشته خانوارهای شهری دهک دهم (۱۰ درصد پردرآمد جامعه) با مجموع هزینه متوسط ۸۹میلیون تومان در سال، به‌معرابت بالاتر از دهک نهم با ۳۱۶میلیون تومان قرار دارد. در واقع هزینه‌کرد دهک نهم حدود ۴درصد هزینه‌کرد دهک دهم بوده و این اختلاف در هزینه‌ها، نشان‌دهنده تفاوت چشمگیر در سطح زندگی و توان اقتصادی خانوارهاست. دهک‌های پایین‌تر که بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف نیازهای خوراکی می‌کنند، در برابر شوک‌های اقتصادی مانند تورم و نوسانات ارزی آسیب‌پذیرترند. در مقابل، دهک دهم با تمرکز بیشتر بر هزینه‌های غیرخوراکی، مانند مسکن، آموزش و تفریحات، مقاومت بیشتری در برابر بحران‌های اقتصادی دارد.

در نگاه اول این تصور ایجاد می‌شود که دهک دهم می‌تواند مستقل از نوسانات اقتصادی، از استانداردهای زندگی خود محافظت کند، با این حال بررسی‌های جزئی‌تر نشان‌دهنده آن است که فاصله درآمدی خانوارها درون دهک دهم نیز بالاست و نوسانات اقتصادی جدید می‌تواند افرادی را که در رده‌های پایین دهک دهم هستند به دهک‌های پایین‌تر برانند. در واقع در حال حاضر طبقه متوسط از بین رفته و ۹ دهک درآمدی در برابر نوسانات اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر هستند. بنابراین هر گونه اصلاحات اقتصادی، باید وضعیت درآمدی ۹ دهک را در نظر بگیرد.

تصویر هزینه دهک‌های درآمدی

بررسی آخرین گزارش منتشرشده از هزینه خانوارها که مربوط به سال ۱۴۰۲ است نشان می‌دهد که تفاوت زیادی بین هزینه‌های خانوارهای دهک دهم و سایر دهک‌های درآمدی وجود دارد. برای مثال مجموع هزینه‌های خانوار شهری دهک دهم در سال ۱۴۰۲ حدود ۸۹میلیون تومان بوده درحالی که این عدد برای دهک نهم درآمدی حدود ۳۱۶میلیون تومان بوده است. بنابراین می‌توان گفت هزینه دهک نهم درآمدی حدود ۳درصد از هزینه‌کرد خانوار دهک دهم است، با اینکه میانگین هزینه‌های دهک دهم دوبرابر دهک نهم است.

این اختلاف بزرگ نشان‌دهنده تفاوت چشمگیر در سطح زندگی و توان اقتصادی خانوارهاست. این نسبت در سال ۱۴۰۱ معادل ۹درصد بوده است. می‌توان گفت دهک دهم به‌رغم آنکه می‌توانند بیشتر صرف می‌کنند، که عمدتا مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی مانند مسکن، آموزش، بهداشت و تفریحات می‌شود. در سال گذشته متوسط هزینه‌های مربوط به نیازهای خوراکی و دخانیات یک خانوار شهری در دهک دهم حدود ۹۵میلیون تومان بوده و ۴۴۴میلیون تومان دیگر این هزینه مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بود. به زبان ساده تنها ۱۶ درصد از هزینه‌کرد خانوارهای پردرآمد ایرانی مربوط به نیازهای خوراکی است. در دهک نهم درآمدی سهم هزینه‌های خوراکی از کل هزینه‌ها افزایش یافته و به حدود ۲۲درصد می‌رسد. این سهم در دهک‌های درآمدی پایین‌تر نیز افزایش می‌یابد. برای مثال در سال ۱۴۰۲ کل هزینه متوسط یک خانوار شهری در دهک اول درآمدی معادل ۴۷میلیون تومان بوده است که حدود ۴۳درصد از این هزینه‌کرد مربوط به نیازهای خوراکی خانوارهاست.

آسیب‌پذیری ۹ دهک درآمدی

در سال‌های گذشته اقتصاد ایران با شوک‌های مختلفی مانند تحریم‌ها و نوسانات نرخ ارز مواجه بوده است. در شرایط شوک‌های اقتصادی، مانند افزایش تورم یا بحران‌های مالی، دهک‌های پایین‌تر جامعه بیشتر آسیب می‌بینند. بررسی آمارهای مربوط به هزینه‌های سالانه یک خانوار شهری در دهک‌های مختلف نشان می‌دهد دهک‌های اول و دوم که مجموع هزینه‌های سالانه بسیار کمتری نسبت به دهک دوم دارند، بخش عمده‌ای از درآمدشان صرف هزینه‌های خوراکی می‌شود. این به معنای آن است که با افزایش قیمت مواد غذایی یا کالاهای اساسی، دهک‌های پایین‌تر جامعه به‌سرعت تحت‌تاثیر قرار می‌گیرند و توانایی کمتری برای مقابله با چنین شرایطی دارند. در مقابل، دهک دهم که سهم بیشتری از هزینه‌هایش به موارد غیرضروری، مانند خدمات تفریحی، بهداشتی، و آموزشی اختصاص دارد، کمتر تحت‌تاثیر تغییرات قیمت کالاهای اساسی قرار می‌گیرد و می‌تواند هزینه‌های خود را در سایر بخش‌ها مدیریت کند.

فاصله اقتصادی بین دهک‌های دهم و نهم نشان‌دهنده افزایش نابرابری اقتصادی در ایران است. این شکاف نه تنها به دلیل تفاوت در درآمدها، بلکه ناشی از اختلاف در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی، خدمات آموزشی، بهداشتی، و مسکن است. دهک دهم با توان مالی بالا، دسترسی بیشتری به خدمات باکیفیت‌تر دارد و می‌تواند از افزایش قیمت‌ها و بحران‌های اقتصادی کمتر آسیب ببیند درحالی‌که دهک‌های پایین‌تر جامعه به دلیل وابستگی به درآمدهای کم، بیشتر در معرض خطر قرار دارند. افزایش این نابرابری‌ها به‌مرور زمان موجب تشدید بحران‌های اجتماعی و اقتصادی خواهد شد.

در شرایط فعلی می‌توان گفت طبقه متوسط در ایران، به‌شدت تضعیف شده است و ۹ دهک درآمدی در برابر نوسانات و شوک‌های اقتصادی آسیب‌پذیر هستند در نگاه اول این تصور ایجاد می‌شود که دهک دهم می‌تواند مستقل از نوسانات اقتصادی، از استانداردهای زندگی خود محافظت کند. با این حال بررسی‌های جزئی‌تر نیز نشان‌دهنده آن است که فاصله درآمدی خانوارها درون دهک دهم نیز بالاست و نوسانات اقتصادی جدید می‌تواند افرادی را که در رده‌های پایین دهک دهم هستند به دهک‌های پایین‌تر برانند. در واقع در حال حاضر طبقه متوسط از بین رفته و ۹ دهک درآمدی در برابر نوسانات اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر هستند. بنابراین هر گونه اصلاحات اقتصادی، باید وضعیت درآمدی ۹ دهک را در نظر بگیرد.

جرایی شکست سیاست‌های رفاهی دولت

در سال‌های گذشته همزمان با جهش تورم، سیاستگذاران در تلاش بودند با اعطای یارانه‌های مختلف از معیشت دهک‌های پایین جامعه حمایت کرده و مانع از افزایش شکاف طبقاتی در جامعه شوند. با این حال این سیاست‌ها تاکنون نتوانسته‌اند به‌طور کافی به کاهش شکاف طبقاتی کمک کنند. دهک‌های پایین‌تر همچنان بخش بزرگی از درآمد خود را صرف نیازهای اساسی می‌کنند و توانایی کمی برای پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری دارند. سیاست‌هایی نظیر یارانه‌ها، تسهیلات مالی و برنامه‌های تامین اجتماعی اگرچه به بخشی از نیازهای این دهک‌ها پاسخ می‌دهند، اما کافی نیستند. دهک دهم همچنان از توان مالی بیشتری برخوردار است و در بحران‌های اقتصادی آسیب کمتری می‌بیند. در چنین شرایطی دولت با هدف حمایت از اقشار ضعیف متحمل بار مالی سنگینی می‌شود و اجرای این نوع از سیاست‌ها با نتایج چندان مطلوبی همراه نیست

اگرچه در حال حاضر دهک دهم با فاصله قابل توجهی از سایر دهک‌ها از امکانات بیشتری برخوردار است، اما این نابرابری در بلندمدت می‌تواند به نارضایتی اجتماعی و نارآرامی‌های اقتصادی منجر شود. دهک‌های پایین‌تر که بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف نیازهای اساسی می‌کنند، با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید، توانایی کمتری برای بهبود وضعیت اقتصادی خود خواهند داشت. از سوی دیگر، افزایش‌های اقتصادی موجب کاهش همبستگی اجتماعی و افزایش فاصله بین گروه‌های مختلف جامعه می‌شود. این شرایط در نهایت می‌تواند فرآیند تحلیل تمامت آن را دنبال کند به آنکه بخواهند با عواقب و تبعات این اتش فروزی جدید مقابله کنند. اگر خطری که امروز در تکاپو صدام درآمده بیش از آنکه معطوف به ساختار فرسوده و مناسبات نامتوازن امنیتی در این مجموعه باشد، معلول خودبزرگ پنداری دولتهای آماتور و درک نازل آنها از فرصتها و تهدیدات گذشته، جاری و آتی در حوزه روابط بین‌الملل است. هزینه‌های بازی اتلانتیک‌ها با اتش را باید ماتمطیبی در آمریکا و اروپا تحمل کنند که طی سال‌های اخیر روز به روز از سیاستمداران خود دورتر شده‌اند.

محمدحسین مهدوی‌زادگان

دیدگاه

بازی خطرناک، بازیگران آماتور

جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا و کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس اخیراً رایزنی‌هایی را با هدف تعیین حدود و ثغور کمی و کیفی ارسال موشک‌های دوربرد به کی‌یف صورت داده‌اند. نتیجه این رایزنی‌ها کماکان مبهم است. هر چند واشنگتن و لندن هر دو نسبت به واکنش روسیه در صورت تجهیز اوکراین به موشک‌های جدیدبیمناک هستند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، بایدن و استارمر مدعی شده‌اند کی‌یف به جای درخواست موشک‌های دوربرد باید بر توقف پیشروی روسیه در شرق اوکراین تمرکز کند. فرتر از آنچه در ابعاد میدانی جنگ اوکراین می‌گذرد، ملاحظاتی فرامنتی و راهبردی وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذشت. نخستین و مهمترین این ملاحظات، معطوف به احتمال تغییر ماهیت نبرد است. تاکنون مناقشه نظامی میان روس‌ها و اوکراینی‌ها تحت عنوان «جنگ اوکراین» مورد توجه افکار عمومی دنیا قرار گرفته. اما ممکن است عمق، دامنه و درگیری این جنگ به واسطه اقدامات تحریک‌آمیز ۲ سوی آتلانتیک تغییر کند. به عبارت بهتر، ممکن است جنگ اوکراین به جای یک پدیده و متغیر مستقل، تبدیل به متغیری وابسته به «جنگ روسیه- آتلانتیک» شود.

نباید فراموش کرد اوکراین در حال حاضر عضو پیمان آتلانتیک شمالی نیست، با این حال نقطه کانونی جنگ محسوب می‌شود. این نقطه کانونی در آینده نزدیک می‌تواند محور شود یا به مرکز یک چندضلعی خونین و خطرناک بدل شود.

بسیاری از استراتژیست‌ها و تحلیلگران حوزه امنیت بین‌الملل به بایدن هشدار داده‌اند ارائه موشک‌های دوربرد از سوی واشنگتن به کی‌یف خطر جنگ مستقیم میان روسیه و ناتو را در پی خواهد داشت. در این صورت آتلانتیکی‌ها که هنوز بر سر تاکتیک‌های جنگی در اوکراین با یکدیگر اختلاف نظر دارند، با پرونده پیچیده‌تر و جنگی مستقیم‌تر مواجه می‌شوند.

برخی کشورهای عضو این پیمان معتقد به پایان جنگ برخی معتقد به حفظ توازن میدان جنگ و مناکره و برخی دیگر، قائل به تبدیل جنگ به یک منازعه طولانی و پیوسته در محیط پسرقونی روسیه هستند. در این میان، نگرانی دیگری نیز از سوی آمریکا وجود دارد که معطوف به مختصات نبرد در منطقه «خونباب» است. روس‌ها در حال تسلط بر شهر راهبردی پروفسک بوده و حتی بخشی از مناطق جنوب اوکراین را نیز هدف حملات خود قرار داده‌اند.

قلمرو نبرد در مسیر پیشروی روس‌ها به سوی پوکروفسک و آودیوکا نشان داده‌اند بازیس گیری مناطق مذکور از آنها تضمکن یا شدیدا هزینه‌بر است. روسیه تمرکز میدانی خود را بر شرق اوکراین گذاشته است. زیرا گسترش دفعه تصرفات روس‌ها در این مناطق منجر به امتیاز گیری بیشتر آنها از کی‌یف در هر گونه پیمان آتش‌بس ی